مفاهیم حقوق بشری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

آپارتایـــد

آپارتاید (Apartheid) از نظر لغوی به معنای جدا نگه داشتن و مجزا کردن است. این واژه از منظر عینی در کالبد نظامی از تبعیض نژادی، قومی و مذهبی مطرح می باشد که از طرف اکثریت غالب به گروه اقلیت تحمیل می شود؛ بنابراین آپارتاید شکلی از تبعیض نژادی است.

این نظام در کشور آفریقای جنوبی توسط افراد حاکم سفید پوست و مهاجر علیه سیاه پوستان و مهاجران آفریقایی تبار و آسیایی تبار به کار گرفته شد و تا سال ۱۹۹۴ میلادی به اشکال مختلف ادامه پیدا کرد. این روند، اعتراض شماری از فعالان سیاسی رنگین پوست همچون نلسون ماندلا را به دنبال داشت که در نهایت به پیروزی اعتراضات و ملغی شدن حاکمیت آپارتایدی انجامید.

شایان ذکر است که چنین نظامی مشتمل بر جدا نمودن فیزیکی و سرزمینی نژادها از نژاد برتر و محروم ساختن آنان از حقوق اجتماعی، خدمات عمومی و غیره می شود. از نگاه انسانی، آپارتاید نقض فاحش حقوق بشر محسوب می شود و یک جرم بین المللی است؛ نمونه امروزی این اقدامات در فلسطین توسط رژیم اسرائیل انجام می شود.

جنایت علیه بشریت

جنایت علیه بشریت (Crimes Against Humanity) به عنوان جنایتی هولناک، دربرگیرنده رشته اعمال نظام‌مندی است که به طور گسترده و غالبا با پنهان‌کاری توسط مقامات رسمی علیه افراد غیرنظامی صورت می‌گیرد. آنچه در این باره مخوف است، اعمال این جنایات توسط دولت‌ها و یا با پشتیبانی دولت توسط سازمان‌هایی استَ که به اشکال مختلف به قدرت سیاسی دسترسی دارند.
این جنایت مفهومی فراتر از ژنوساید دارد. در جنایت علیه بشریت لزوما یک گروه خاص مورد هدف قرار نمی گیرد؛ بلکه یک جمعیت غیر نظامی، شامل گروه های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هدف این جنایت می باشند.
از جمله مصادیق جنایت علیه بشریت می توان از قتل، به بردگی گرفتن، حبس کردن، شکنجه، اعمال غیر انسانی و غیره نام برد. شایان ذکر است که شمار بالای کشته شدگان و قربانیان در این نوع از جنایت، تهدیدی جدی علیه صلح و امنیت بین الملل به حساب می آید.

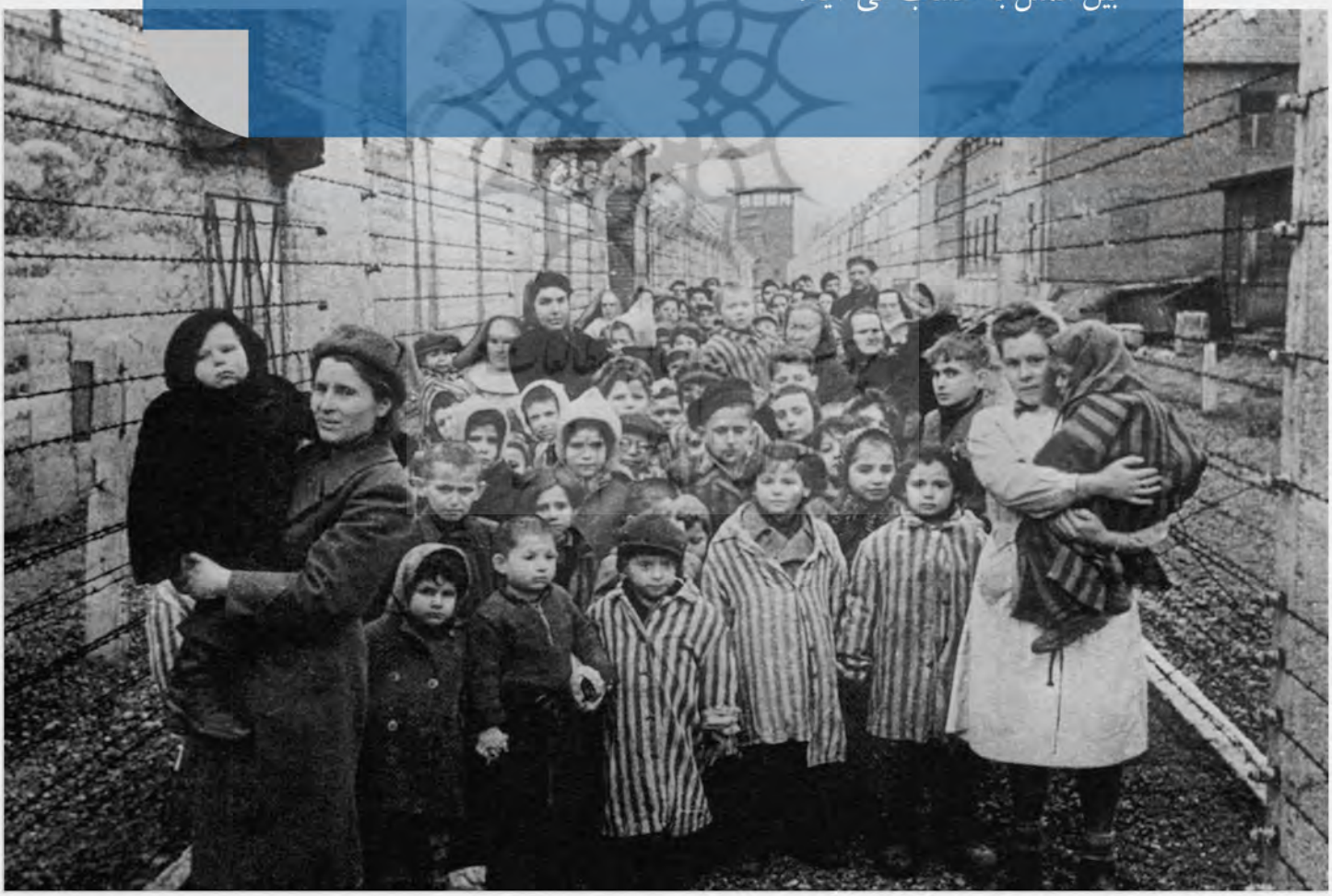

ژنوساید

یکی از جنایات مهم بین‌المللی، جنایت ژنوساید (Genocide) یا نسل کشی است که در آن اقداماتی به منظور نابودی و حذف فیزیکی بخش یا کلیت یک گروه نژادی، مذهبی، قومی یا ایدئولوژیکی توسط گروهی دیگر ارتکاب می‌یابد. این پدیده هولناک همواره از بدو تاریخ بشر تا امروز به اشکال مختلفی به وقوع به پیوسته است و از جمله نمونه‌های شاخص آن در عصر معاصر می‌توان از نسل کشی ارامنه در طی جنگ جهانی اول، کشتار یهودیان در طی جنگ جهانی دوم و کشتار مردم بوسنی در دهه ۱۹۹۰ نام برد.

ژنوساید از جمله فجیع‌ترین جنایات بین‌المللی تلقی می‌شود. نخستین تعریف حقوقی از این جنایت در سال ۱۹۴۸ توسط سازمان ملل متحد مطرح گردید و قوانینی پیرامون آن وضع شد. هم‌اکنون با توسعه و کاربست فزاینده حقوق بین الملل، توجه به ژنوساید در سطح جهانی افزایش پیدا کرده است و نهادهای مختلف دولتی و غیردولتی تمرکز خود را بر این جنایت به‌منظور جلوگیری از وقوع آن معطوف نموده‌اند.

جنایت جنگی

جنایت جنگی (War Crime) به طیف گسترده‌ای از اعمال خشونت‌بار در زمان جنگ اطلاق می گردد؛ اعمالی که در زمان صلح تحت قوانین بین‌المللی کیفری مشمول مجازات خواهند بود. بنابراین جنایت جنگی در طی یک درگیری مسلحانه داخلی یا بین‌المللی محقق می‌شود.

از جمله مصادیق این جنایت می‌توان از قتل عمد غیرنظامیان، شکنجه یا رفتارهای غیرانسانی، وارد کردن رنج شدید یا آسیب جدی به افراد، تخریب و تصرف غیرقانونی اموال، اجبار زندانیان به خدمت در نیروهای نظامی یک قدرت متخاصم، محروم کردن اسرای جنگ از محاکمه عادلانه و... یاد کرد.

شایان‌ذکر است که نقض قوانین و عرف جنگ تنها زمانی به عنوان «جنایت جنگی» شناخته می‌شود که به اندازه کافی «جدی» باشد؛ یعنی مرگ، جراحت، تخریب یا تصاحب غیر قانونی اموال را در بر داشته باشد یا بدون آن که به طور فیزیکی و مستقیماً اشخاص را هدف قرار دهد، ارزش‌های مهم انسانی را پایمال کند.

حق حیات

حق حیات (Right to Life) به‌عنوان یک اصل اخلاقی به معنای حق زندگی کردن تمامی انسان‌ها و عدم سلب این حق از سوی دیگران می‌باشد. این حق از بنیادی‌ترین حقوق انسانی است؛ به‌طوری که دیگر مولفه‌های مطرح ذیل مفهوم حقوق بشر در سایه حق حیات معنا می‌یابند.

حق مذکور حتی در شرایط اضطراری نیز غیر قابل سلب است؛ یعنی بر طبق قواعد بین‌المللی حقوق بشر، کشورها نمی‌توانند به بهانه در معرض تهدید بودن انگاره های ذهنی خود، حق حیات را از ملت خویش و دیگر ملت‌ها سلب کنند. این مفهوم در مجادله‌هایی نظیر جنگ، اعدام، هومرگ، سقط‌جنین و... همواره مورد توجه قرار می گیرد.

شایان‌ذکر است که پیش‌بینی‌نکردن مقررات لازم در برخورد با افرادی که حق حیات انسان را در معرض تهدید قرار می‌دهند و عدم حمایت دولت از انسان‌های در معرض تهدید، به‌عنوان نوعی از نقض حقوق بشر مطرح می‌باشد. دراین‌بین دولت‌ها مکلف‌اند تمهیداتی را در جهت پاسداری از حق حیات تمامی شهروندان خود فراهم آورند.

اعلامیه جهـانی حقوق بشـر

اعلامیه جهانی حقوق بشر (Universal Declaration of Human Rights) یک پیمان بین‌المللی است که در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ و همزمان با پایان یافتن جنگ جهانی دوم توسط چند تن از فعالان سیاسی-حقوقی نگاشته و برای ملت‌های جهان ارائه شد. این اعلامیه شامل یک مقدمه و ۳۰ ماده می‌باشد که حقوق پایه‌ای انسان‌ها در تمامی کشورها، از جمله حقوق بنیادین مدنی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را در بر می گیرد.

بر طبق تعاریف این اعلامیه، حقوق بشر مشتمل بر پیش‌فرض‌هایی حقوقی می‌شود که هر انسانی در همه زمان‌ها و مکان‌ها می‌تواند از آن‌ها برخوردار باشد.

این اعلامیه توسط اکثر کشورهای عضو سازمان ملل متحد در همان ابتدا پذیرفته شد؛ اما تعدادی از کشورها همواره به برخی از بندهای آن ایرادات فرهنگی، مذهبی و سیاسی وارد کرده اند.

لازم به ذکر است که اعلامیه مذکور در سال ۱۹۶۶ در تلفیق با «میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» و «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» به «منشور بین‌المللی حقوق بشر» مبدل شد و در سال ۱۹۷۶ پس از تصویب این منشور از سوی تعداد مکفی کشورها، مفاد آن به عنوان بخشی از حقوق بین‌الملل جنبه الزام‌آور بر خود گرفتند.

دیوان بین المللی دادگستری

دیوان بین‌المللی دادگستری (International Court of Justice) یا همان دیوان لاهه، به‌عنوان اصلی‌ترین نهاد جهت حل‌وفصل اختلاف‌های میان کشورها و یکی از ارکان شش‌گانه سازمان ملل متحد و تنها رکن خارج از مقر رسمی سازمان مزبور (نیویورک) مطرح می‌باشد. مقر این دیوان در لاهه هلند قرار دارد.
این دیوان مبتنی بر کنوانسیون‌های لاهه در اوایل قرن بیستم تشکیل شد؛ سپس در جریان جنگ جهانی دوم منحل و پس از آن در چهارچوب قبلی خود و با کمی تغییرات در عنوان، نحوه کنش‌ها و وابستگی نهادی شروع به کار کرد.
این دیوان متشکل از ۱۵ قاضی است که برای یک دوره ۹ساله انتخاب می‌شوند. زبان رسمی دادگاه فرانسوی و انگلیسی می‌باشد.
از جمله وظایف مهم این دادگاه، حل‌وفصل اختلاف‌ها بر مبنای صلاحیت‌های شخصی و ترافعی و صدور نظرات مشورتی می‌باشد. شایان‌ذکر است که برخی قدرت‌ها در دهه‌های اخیر با بی‌اعتنایی به تصمیمات این دادگاه، بعضاً باعث مشروعیت‌زدایی از آن شده‌اند.

دیوان بین المللی کیفری

دیوان بین‌المللی کیفری (International Criminal Court) یک دادگاه بین‌المللی در شهر لاهه هلند برای رسیدگی به جنایات بین‌المللی است. این دیوان دارای صلاحیت ذاتی برای پیگیری جرائمی است که باعث نگرانی جامعه بین الملل می‌باشند؛ از جمله نسل کشی، جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی و جنایت تجاوز. این دیوان پس از تصویب اساسنامه رم از سوی شصتمین کشور جهان در ژوئیه ۲۰۰۲ موجودیت رسمی پیدا کرد.

لازم به ذکر است که دیوان بین‌المللی کیفری در این موارد می‌تواند وارد عمل شود: یکی از کشورهای عضو، پیگیری پرونده را به دیوان محول کند؛ یکی از کشورهای غیرعضو، دیوان را به رسمیت بشناسد و پرونده‌ای را جهت پیگیری به آن ارائه کند؛ زمانی که شورای امنیت از دیوان درخواست پیگیری پرونده‌ای را داشته باشد؛ زمانی که دیوان خود بدون تقاضای دیگران وارد عمل شود.

شایان‌ذکر است که این دیوان نیز به‌مانند دیوان بین‌المللی دادگستری، همواره با اعمال فشار برخی قدرت‌ها به‌منظور جلوگیری از تصمیمات حقوقی‌اش مواجه بوده است.